

از این دستگاه حاکمه کاری برای ملت

ساخته نیست

دو خانه که خود را مم تراویس آند  
که در ملک سرمه ای همان میر از  
روز اینها لفظ و لفظ و بدم میر از  
دو هزار و هشت هزار و هشتاد و هشت  
هزار و هشتاد هزار و هشتاد هشتاد  
بر همان میان میان هشتاد هشتاد  
تکه هفتاد هشتاد هشتاد هشتاد هشتاد  
لش و گرفته هشتاد هشتاد هشتاد هشتاد  
هزار و هشتاد هشتاد هشتاد هشتاد هشتاد  
هزار و هشتاد هشتاد هشتاد هشتاد هشتاد  
هزار و هشتاد هشتاد هشتاد هشتاد هشتاد

فر مساجد کمتر جو بود و از اینها  
سی اندیج و مروارید خوش بودند  
در آن راه باز هر دو هزار کیلومتر  
فر مساجد این آن و مساجد داد و چون در آن  
هر یکی بود و باید اینکه در آنها مساجد  
سازی شده اند و این طبقه مساجد سازی  
بشت همین مساجد بودند مثلاً مساجد طغیان  
و مساجد ایست. - مساجد خوبی که در  
مساجد ایست مساجد خوبی بود. - و این و مساجد  
مساجد ممتاز و ممتاز مساجد ممتاز بودند

# آگھی دولتی

روز نامه ارسی کشور شاهزادی  
شماره ۱۲۵۶ هدوه - آن ۱۳۰۷  
رسی و نویسی از اطراف و از  
کاران الی بیان رساله و روزه  
۳ - این المحتوا - ماجیت به  
سازی خدا سخن ملکه هست پیشوای  
ملک شرمند است - سرپر بیانی  
میگیرد - و اگر کسی شرمند شود  
آنقدر باید - من اگر - سرپر بیان  
سر شر (سر از اطراف) - و همچنان  
و همان - سر و غمی - آنقدر - بیانی  
کار - ملکشان انتقام - حس اموان -  
کار - ملکشان انتقام - حس اموان -  
کار - مجهول المکان و مالیات  
حود را از داشتند و موقوت وی ما  
برای یکدیگر در آنها بی تبعه

پوچه مرفیکه نهاد از امریکا (دول) امریکائی سوالات آن درود زدن پرداخت و طبق سخن ملی هست یعنی پولی و ملیت مسیحیان اسلام مسکون و ملیت پیراهن از چشم مسیحیون دو انتهاست اند و کم میشند. طبق اصرار مسکت و زیر طرز مرفیکه آنکی فوق انتشار باشد، رسید پیش خانی و پسین «رسیوس» او ارش رسید ایکی که غریبان خکار ایسا بود که نکر میشکت. طبق سیلی ملکه اسوطران و سخن «ناخانیانی» در پاریس ملایمید انتباخ شد و در پیران که چند کسی هم درود گردید را سلیمان دید و دل

موافق پس از برجه طبق مکمل  
که مذکور شده ای همراه با میوه هد  
اگر کون پیش از خود و همچنان شیرینی های  
بهره و خوشمزه ای همان میکنید و هزار گز  
آن از همچنان روح بخوبی و سرگردانی  
نماید تا زیست فراز این در چشمها نماید  
سوال حل علیع و ممنون این رسانی با مرگ که

در میان طبقات اسلامیه فاسد و  
خسارتکار که هزار برسی از میان  
اسباب دارند، بعثات طله حاکم ایران  
گشته هنوز پاک است. این سلسله پیشتر

افتتاح مجلس وسای دولتی

محلی تسلی و شکن دوره  
دانسته زدم و ساختم مجموعه ای از  
ارزشی و علمی که بین پویانهای انسانگردان از  
دور و نظری داشت. گفتند درین ششم  
و هر چند قدر مدت ایران گذشت باشد  
محلی خودی و سا از گذشته  
هسته که باشند گویا با هم ملت ایران  
تصسیم کیهان را در حکایت ملت اسلامی  
نذر آورده اند که بنام انتقامات خواهند گشته  
و اینکه آخرین شاهد آن در هر سه  
مریدان دارد کوچکترین نیز کثی هاشد  
و در مرگ کشی حرب مشکل و آزادی خواهد  
بینید ما حرب نموده ایران آفری از اصل  
رسانم نمود آنها هم باشند گذشته  
استانور کرسیهای داشت راهی کردند  
که در روی دهان سوکه خود را  
از آزادی و استقلال ملت ایران و جامیان  
و سرمهده گذان امیر بالسی جای دارند و  
شان را این کوشان چیزی در خیانت سالعی  
حالی ملت خوش خدیعت هستند و مسترد  
ظليل اکنیشی و آزمیکانی و غروش  
آنقدر و استقلال بین نزاعهای بود.

This image shows a dark gray, almost black, textured surface. It appears to be a scan of a dark material, possibly a book cover or endpaper, with visible fibers and some minor discoloration or wear. The texture is somewhat grainy and uneven.

فراتر دخواز اسلام میراث حرب ترورهای ایران را از سوی گندم خود در فرمان  
روح شهدای آزادی بازدارد. طبق مرسم مراسله فوجه ۱۴۱، دست گرفت که با  
دوشنبه، تبریز صدای از برآزان ترورهای تلار آنکه از عده وسیع نشانه  
از شیوه بیکار از شارستان مسکن برخاداری کردند. اما این اعدام‌ها در ابتدا نظر نداشته  
بودند. پس از جوادیان، سوکن‌گلستانی ما، چنانچه در گفت: «است ۲۰ آنکه  
نمی‌شتم». پس از آن پیشتر گردید که اسلام‌واره وست نظراً به این کشته

میراث اسلام مودت آمیز و  
دوسنای ملت ایران بست به مهای  
سوسالیست و دنیاستاری، احمدجاهی  
شوروی، همچوئی تهدیدی چین و کشور  
های دمکراتی نهاده، در ایران با آسما  
بسیل و سانی تسلیم راه گشکن گفت  
را غر برور طفیل خانه به دقتها  
و متنهای آزاد آناده خواهند داد.  
ملت ایران آزادی و شرطیت  
پیغامده و آنها نیزه و نظره شوروی  
سواده خواهند نهاد، میراث اسلام  
بست، ملت که بست به شرطیت

